

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ اگست ۲۰۲۲

زمینه سازی ها برای آوردن مجدد طالب! (۲)

پنجشنبه - ۲۷ اسد ۱۴۰۱ - کابل: کنار گذاشتن طالب همزمان با گسترش طالبیسم

در جهانی که امروز زندگانی می نمایم کمتر کسی باشد که نداند؛ به همان اندازه که جهت اشغال یک کشور به نیروهای مسلح و سرکوب نیاز وجود دارد، جهت تداوم اشغال و انضمام یک کشور به ساحه نفوذ اشغالگر، می باید فرهنگ و ارزش های فرهنگی آن کشور از پایه و اساس چنان تغییر بخورد که نسلهای آینده چیزی از گذشته و ارزشهای فرهنگی پدران شان ندانند. یعنی از آنجائی که می توان با زور کسی را وادار به تسلیم نمود مگر نمی توان با زور برچه در مغز و کله اش عقیده را داخل کرد، برای داخل کردن یک عقیده در مغز، بهترین سلاح دستبرد به فرهنگ همان جامعه می باشد.

نیروهای اشغالگر امریکا و شرکاء که از اول نه تنها تصمیم نداشتند طالبیسم را در افغانستان از بین ببرند، بلکه در برنامه کاری شان بود تا طالبیسم را بر افغانستان مسلط سازند، به دنبال کنار گذاشتن آنها از قدرت، لحظه ای به ستراتیژی گسترش طالبیسم وقفه وارد ننموده، از همان آغاز با گماردن "حامد کرزی" طالب بچه ریاکار بدون کمترین توقفی به گسترش طالبیسم ادامه دادند.

این گسترش خاموشانه و ریاکارانه طالبیسم در جلو چشم تمام مردم و حتا انقیاد طلبان چپ نما که امید "دوبی شدن افغانستان" را به افرادشان تزریق می نمودند، از چند طریق صورت می گرفت:

۱- به علاوه آن که طالب را از آماج حملات و کین بحق مردم افغانستان که طی مدت حاکمیت شان کشور را به زندان بزرگی مبدل نموده بودند، نجات داده ظاهراً به گوانتانامو فرستاد بلکه افکار و عملکرد طالب را نیز حتا برای یک روز رسماً و سازمان یافته مورد انتقاد قرار نداد. عروسک خیمه شب بازی آنها "کرزی" بی وجدان این "بیرک امریکائی"، ضمن آن که با کاربرد "برادران ناراضی" جنایات آنها را قبح زدائی می نمود، به وسیله بخشی از دست پروردگان "سیا" در وجود انقیاد طلبان چپ نما و بقیه جیره خواران "آی. اس. آی"، لبه تیغ تبلیغات سازمان یافته شان را علیه رقبای آنروز قدرت شان یعنی جهادی ها جهت داده، چنان تمام بدبختیهای سراسر افغانستان را بدانها منسوب نمودند که حتا خلق و پرچم به مثابه حاکمیت قبلی از آنها و طالب به مثابه حاکمیت بعدی از آنها مطلقاً از قلم می افتاد.

این برخورد اگر از جانبی مبارزه و نفرت علیه جنگسالاران جهادی را بدرستی به وجدان مردم به خصوص نسل جوان مبدل ساخت، مگر به همان علت یک جانبه بودنش، هم برای مزدوران روس فرصت احیاء و سربازگیری مجدد و حتا ظهور سیاسی تازه را فراهم ساخت و هم برای جنایتکاران طالب و بقای طالبیسم.

۲- در عین حالی که از طریق اکثریت رسانه های وابسته به حاکمیت مستعمراتی و نواله خوران چپ نمای آنها، همه روزه دامن جهادی های جنایتکار بحق بالا می شد، ظاهراً به جهادی ها نیز فرصت تبلیغ داده، برای اکثریت نهاد های آنها تلویزیون های مستقل با امکانات مالی منظور نموده بود. جهادی ها که در بهترین صورت از نمایش عکس رهبران شان دلشاد بودند، از بام تا شام به زعم خودشان برای "اسلام عزیز شان" تبلیغ می نمودند. تلویزیون شیخ "آصف محسنی"، تلویزیون ملا "محقق"، تلویزیون "جمعیت اسلامی - شورای نظار"، تلویزیون باند "گلبدین و رقبای خرد و بزرگش" و بقیه تلویزیونهای جهادی ها یا متمایل به جهادی ها، بدون آن که ستراتیژی اصلی امریکا را از اجازه دادن و تمویل نشرات شان بدانند، در واقع بستر فراگیری و گسترش طالبیسم را پهن می نمودند.

۳- دست درازی هایی که در همان زمان به خصوص زمانی که اخوانی معلوم الحال و دزد معروف "فاروق وردک" در حاکمیت پوشالی وزیر معارف بود، در نصاب تعلیمی و محتوای دروس مکاتب به نفع گسترش طالبیسم صورت می گرفت، تماماً در خدمت تقویت افکار طالبی و ذهن نسل جوان را برای پذیرش آنها در قدرت آماده می ساخت.

برای اثبات این مطلب بدون آن که به مضامین "قرآن، تجوید، دینیات" در مکاتب مکتب نمائیم کفایت تنها به کتب زبانهای دری و پشتوی صنوف اول الی صنف دوازدهم نظر بیندازیم. محتوای این کتب که با حمد آغاز یافته و با "ثنای محمد" ادامه می یابد، خلاف دوره های گذشته در همانجا متوقف نشده با سوانح "چهاریار" کبار و به تعقیب رهبران مذاهب چهارگانه رسمی و بقیه چلی ها و ملا ها شاگردان مکاتب را زمین نرم کشت افراطیت طالب مبدل می سازند. برای آن عده از خوانندگانی که حوصله و فرصت لازم جهت تحقیق داشته باشند مراجعه به این کتب درسی بدون فایده نیست. شما خود می توانید با مراجعه به آنها، سمتی را که حاکمیت پوشالی می خواست فرزندان ما و جامعه ما را بدان سو سوق دهد، مشاهده نمائید.

۴- اضافه نمودن دروس اعتقادی زیر عنوان "ثقافت اسلامی" در تمام پوهنخی های افغانستان و از پوهتون کابل "چلی خانه" ساختن، از کمالات دیگری بود که حاکمیت پوشالی از همان آغاز، به خصوص از زمانی که "غنی احمدزی" این دزد بی وجدان و وطنفروش بی آزر رئیس پوهنتون شد، روی دست گرفته شد. فشار مضمون "ثقافت اسلامی" تا جایی بر محصلان فشار وارد نمود و حتا در پوهنخی های مسلکی مانند طب و انجیری مضامین مسلکی را به عقب راند که سرانجام صدای یک تن از تیکه داران دین "حفیظ منظور" علی رغم آن که خود اخوانی بود، بلند شده از حاکمیت خواست تا جلو آن زیاده روی گرفته شود.

۵- اعمار و گسترش مدارس دینی در سراسر افغانستان کار را به جایی رسانید که عملاً در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی، تنها در ولایت هرات و مربوطات آن، بیش از ۳ هزار مدرسه دینی وجود داشت. حاکمیت پوشالی که از یک سو هیچ گونه خواست و صلاحیت مراقبت از مضامین و نصاب تعلیمی و تدریسی این مکاتب را نداشت و نمی دانست که در آن مکاتب چه تدریس می گردد و از جانب دیگر ظاهراً به اساس اسلام نمائی مگر در واقعیت امر تکمیل ستراتیژی اشغالگران، با سخاوت بی نظیری آن مدارس دینی و مذهبی را تقویت مالی می نمود، خواسته و یا ناخواسته زمینه سقوط خودش و عروج مجدد طالب را در وجود تربیت ده ها و صد ها هزار طالب و چلی طی بیست سال اخیر فراهم می نمود.

۶- امتیازات مالی گسترده به قشر آخند و ملا و در همه جای آنها را در صدر مجالس نشانند، در عین حالی که جایگاه رفیع آنها را در ذهن بینندگان حقنه می نمود، نسل های بعدی را نیز تشویق می نمود تا در صورتی که میل به گردن فرازی داشته باشند، باید از درب طالبیسم وارد جامعه بگردند.

در کنار این برخورد ها، آوردن قسمت اعظم از رهبران جنایتکار طالب، زیر عنوان "مصالحة ملی" در شهر کابل، اسکان و تمویل اضافی آنها، در حقیقت نه تنها از جیب مردم افغانستان پول باد کردن بود، بلکه قبج زدائی از طالب را نیز کامل نموده، آنها را بر شانه های مردم سوار نمود.

هموطنان گرامی!

نکاتی را که به صورت مختصر در زمینه فرهنگی یاد نمودیم، بخشی از تمکین فرهنگی حاکمیت پوشالی در قبال طالبیسم، و زمینه سازی برای حاکمیت مجدد طالب بود.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!